

اقتدارگرایی، بحران و فضای مدنی بسته

چالش‌های همیشگی پیش روی جامعه مدنی سوریه

مقدمه

جامعه مدنی سوریه در دو دهه گذشته چالش‌ها و دگرگونی‌های بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است: از دست و پنجه نرم کردن با رژیم‌های که پیوسته جامعه مدنی را سرکوب کرده و مانع توسعه و رشد آن شده است تا جنگی که آن را تکه‌تکه و ناگزیر از تحول کرده است.

با وجود این موانع، جامعه مدنی سوریه نقش مهمی در این کشور ایفا کرده است و همچنان به آن ادامه می‌دهد. اهمیت جامعه مدنی در سوریه به‌ویژه پس از حملات شیمیایی که چندین بار در طول جنگ داخلی در این کشور رخ داد، آشکار شد. سازمان‌های جامعه مدنی نقشی حیاتی در مستندسازی و تهیه گزارش درباره این جنایات، ارائه کمک به جوامع آسیب‌دیده، ترویج‌گری برای عدالت، و تلاش برای پاسخ‌گویی مسئولان حملات داشتند. اهمیت جامعه مدنی در سوریه یک بار دیگر مشخصاً پس از دو زمین‌لرزه بزرگ آشکار شد که در ششم فوریه ۲۰۲۳، سوریه و ترکیه را لرزاند و منجر به مرگ غم‌انگیز بیش از ۵۰ هزار نفر شد. این زمین‌لرزه‌ها بسیاری از مناطق تحت سکونت پناهندگان و آوارگان داخلی را لرزاند که پیش‌تر نیز دست‌خوش ویرانی جنگ و آوارگی‌های پس از آن شده بودند. سوری‌هایی که از کمبود شدید خدمات، اقتصاد شکست‌خورده و زیرساخت‌های در حال فروپاشی به دلیل جنگ رنج می‌بردند، بار دیگر دچار بحران شدند و سازمان ملل از ارائه کمک موثر به بسیاری از مناطق آسیب‌دیده ناتوان بود. پس از این زمین‌لرزه‌ها، جامعه مدنی سوریه وارد عمل شد و به بسیاری از قربانیان زلزله، هم‌مجروران و هم‌آواره‌شدگان، چه در مناطق تحت کنترل رژیم و چه در مناطق تحت کنترل مخالفان حکومت و یا در آن سوی مرز به سوری‌های آواره در ترکیه کمک کرد.

دقیقاً به دلیل چالش‌های فراوان پیش روی جامعه مدنی سوریه و همچنین نقش حیاتی‌ای که در حال ایفاست، فمنا در پی تقویت صدای کنش‌گران جامعه مدنی سوریه است و باور دارد که آن‌ها باید در این کار مهم پشتیبانی شوند.

پیشینه فضای مدنی در سوریه

رژیم سوریه همواره مانع ایجاد یک جنبش اصیل، مستقل و موثر در جامعه مدنی شده است. دشمنی عمیق رژیم با جامعه مدنی به پیش از خیزش سال ۲۰۱۱ بازمی‌گردد. حکومت حتی به بهانه امنیت، استفاده از اصطلاح «جامعه مدنی» را ممنوع و اصطلاح خنثی‌تر «کار اجتماعی» را در رسانه‌ها و داخل کشور جایگزین کرده بود.

اما در طول دهه‌ها، گروه‌های حقوق بشر، کنش‌گران فردی و روشنفکران برای دور زدن محدودیت‌های دولتی، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، گروه‌های کاری و انجمن‌هایی را برای رسیدگی به مسائل مهم پیش روی کشور، از جمله حقوق زنان، تاسیس کردند.

گروه‌های زنان خواستار اصلاح قانون شدند و به دفاع از برابری پرداختند، و به‌ویژه اصلاح مواد حقوقی تبعیض‌آمیز در قوانین احوال شخصیه را مطالبه می‌کردند. این گروه‌ها تلاش می‌کردند از طریق کارزارهایی علیه قوانینی که در موارد زن‌کشی و یا قتل‌های به اصطلاح ناموسی ملایمت به خرج می‌داد، با خشونت علیه زنان مبارزه کنند. آن‌ها همچنین خواستار اصلاح قانون تابعیت شدند تا زنان بتوانند حق شهروندی خود را به فرزندان‌شان هم اعطا کنند.

برای مدت کوتاهی پس از مرگ حافظ اسد در ژوئن سال ۲۰۰۰، فضای سیاسی در سوریه باز شد. در یک بازه زمانی کوتاه که به آن «بهار دمشق» گفته می‌شود، جامعه مدنی شکوفا شد. گروه‌های متنوعی از کنش‌گران و روشنفکران در انجمن‌های عموماً غیررسمی گرد هم آمدند تا جان تازه‌ای به زندگی و مشارکت مدنی دهند و ترویج‌گر فرهنگ، هنر و سیاست در جهت پیشرفت، اصلاحات و توسعه دموکراتیک باشند.

اما در سال ۲۰۰۱، رژیم با سرکوب شدید به این جنبش پاسخ داد. برخی از کنش‌گران دستگیر و به جرایم امنیتی مانند برانگیختن منازعات فرقه‌ای، ارتباط با گروه‌های خارجی، جاسوسی و یا اقدام علیه حکومت متهم شدند. برخی به دادگاه امنیت ملی ارجاع و به زندان محکوم شدند و برخی با محدودیت‌های دیگری از جمله ممنوع‌الخروجی مواجه شدند.

با وجود این، گروه‌های زنان سوری بر ادامه کار خود در دفاع از حقوق پافشاری می‌کردند. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که سازمان‌های مستقل فمینیستی در سوریه با آن مواجه بوده‌اند، اقدامات دولت برای مصادره جنبش است. دولت این کار را از طریق اتحادیه عمومی زنان سوریه انجام داده است که نهادی شبه‌دولتی، و هدفش ارائه تصویری مثبت از زنان سوری و سیاست‌های دولت در حوزه زنان است. اما منتقدان بر این عقیده هستند که این نهاد در واقعیت از زنان هیچ حمایتی نکرده است. اتحادیه عمومی زنان سوریه با ادعای نمایندگی زنان سوریه و جنبش زنان مانع رشد و توسعه گروه‌های مستقل و مردم‌نهاد زنان شده است. وزارت امور اجتماعی و کار هرگونه فعالیت مدنی مستقل را سرکوب و فقط ادامه فعالیت گروه‌های وابسته یا زیر نظر اسامه الاسد، همسر رئیس‌جمهور، را تایید کرده است.

هدف اصلی دولت ایجاد تصویری نادرست از سازمان‌های مدنی فعال در سوریه و ارائه تصویری مطلوب به جامعه بین‌المللی بود. با این حال، حتی معدود سازمان‌هایی که موفق به ثبت رسمی خود شدند، با حملات و دخالت‌های بی‌امان روبه‌رو بودند. بسیاری از آن‌ها در نهایت با تصمیم نیروهای امنیتی منحل شدند که این خود هر فضایی را برای مشارکت واقعی جامعه مدنی بیش از پیش محدود و صدای مدافعان حقوق بشر و پیشرفت اجتماعی را خفه کرد.

تأثیر خیزش ۲۰۱۱ بر جامعه مدنی

با طغیان اعتراضات مردمی در سوریه در سال ۲۰۱۱، امید تازه‌ای برای ایجاد و توسعه جامعه مدنی فراگیرتر، پویاتر و مترقی‌تر پدید آمد. گروه‌های سوری از نقاط مختلف جغرافیایی گرد آمدند تا ابتکارات مدنی و داوطلبانه متعددی را با هدف رسیدگی به وضعیت به‌سرعت در حال تغییر داخل کشور طرح‌ریزی کنند.

با این حال، با تبدیل خیزش به منازعه داخلی مسلحانه، اولویت‌های بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی در سوریه از کنش‌گری سیاسی به حمایت‌های بشردوستانه تغییر کرد. با این حال بسیاری از سازمان‌هایی که به تقویت گفت‌وگوها/ابتکارات پیرامون کنش‌گری سیاسی متعهد مانده بودند، برنامه‌هایی را برای جبران فروپاشی خدمات دولتی در بسیاری از مناطق و نیازهای مبرم



بشردوستانه پناهندگان، جمعیت‌های آواره داخلی و جوامع محلی تاثیرپذیرفته از جنگ اجرا کردند. این تلاش‌های مردمی حاکی از تاب‌آوری و عزم مردم سوریه برای ساخت جامعه‌ای حامی و باشفقت‌تر در دل آن شرایط بی‌نهایت چالش‌برانگیز بود.

جنگ در سوریه به آوارگی در مقیاس وسیع منجر شده است و تقریباً نیمی از جمعیت آواره شده‌اند و یک چهارم آن اکنون در خارج از کشور ساکن هستند. همانند بسیاری از سوری‌های متاثر از جنگ، شرایط محاصره و هدف‌گیری و آزار و اذیتی که در تمام طول جنگ ادامه داشت، باعث شد بسیاری از کنش‌گران جامعه مدنی ناگزیر به فرار از سوریه شوند.

با فرار تعداد زیادی از سوری‌ها به کشورهای همسایه، گروه‌های جامعه مدنی سوریه در ترکیه، اردن و لبنان تشکیل شدند. این گروه‌ها همچنین در نقاطی مانند مصر و به طور گسترده‌تر در دیاسپورا، در سراسر اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا فعالیت می‌کنند.

در نتیجه، سازمان‌های جامعه مدنی اکنون باید به موازات در داخل و خارج سوریه فعالیت کنند. آن‌ها مجبورند که نوآوری و سازگاری قابل توجهی از خود نشان دهند، برغم این که در معرض فرسودگی شدید قرار گرفته‌اند؛ زیرا خود بخشی از جامعه هستند، متحمل ظلم و جنایات می‌شوند و پیوسته نیازمند تشکیل فضاهای مدنی برای اجرای پروژه‌ها هم در داخل و هم در خارج از کشور هستند، اگر اجازه دهند. این سازمان‌ها گستره‌ای از فعالیت‌ها را انجام می‌دهند، از جمله دفاع و ترویج حقوق، کمک‌های بشردوستانه مانند مراقبت‌های بهداشتی، حمایت روانی-اجتماعی، آموزش و غیره و همچنین کارزارهای آگاهی‌بخشی که هدف‌اش سوری‌ها هم در داخل کشور و هم در دیاسپورا است.

علاوه بر این، آن‌ها در فرایندهای سیاسی و صلح در خارج از کشور نیز مشارکت دارند. این مشارکت از طریق پلتفرم‌هایی مانند اتاق پشتیبانی از جامعه مدنی، ابتکار نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، کمیته قانون اساسی و گستره‌ای از ابتکارات و تلاش‌ها به رهبری سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی متمرکز بر گفت‌وگو، حقوق بشر و پشتیبانی بشردوستانه از مردم سوریه صورت می‌گیرد. این مشارکت نه تنها ارتباط آن‌ها را با بازیگران بین‌المللی تقویت می‌کند، بلکه آن‌ها را قادر می‌سازد تا به پیشرفت‌هایی در فرایند سیاسی، ایجاد صلح، و شکل‌دهی آینده سوریه کمک کنند.

از سوی دیگر، سازمان‌هایی که در مناطق تحت کنترل رژیم فعالیت می‌کنند، با آزار و اذیت مستمر در راستای تضعیف کارشان مواجه می‌شوند. رژیم به تلاش‌های خود برای مصادره آن‌ها و وارد کردن‌شان به جمع گروه‌های تحت کنترل و نظارت نهادهای مختلف دولتی ادامه می‌دهد. بدیهی است که این امر چالش‌های بسیار بزرگی را پیش روی این گروه‌ها در تلاش‌شان برای فراگیر بودن و نمایندگی مردم سوریه قرار می‌دهد، و باعث کاهش اعتبار آن‌ها و تضعیف کارآمدی‌شان در افکار عمومی سوریه می‌شود.

از زمان خیزش و جنگ داخلی، سازمان‌های جامعه مدنی سوریه فعالانه در اقدامات بسیج‌گری و دفاع و ترویج حقوق شرکت داشته‌اند، به‌ویژه در رسیدگی به حقوق سوری‌ها و انتقال مطالبات آن‌ها به نهادهای سازمان ملل متحد و پارلمان‌های بین‌المللی. این سازمان‌ها با تلاش‌های خود توانسته‌اند در دفاع از حقوق بشر خیره و کارشناس شوند، به‌خصوص از طریق سازوکارهای پاسخ‌گو کردن در قبال نقض حقوق بشر با رسیدگی به جرائم بین‌المللی مانند جنایات جمعی و عدالت‌خواهی در موارد تلفات غیرنظامیان. علاوه بر این، جامعه مدنی نقشی حیاتی در مستندسازی رخدادها و نقض حقوق بشر، اعمال فشار بر دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی برای اقدام، و فعالیت در جهت ایجاد زیربنای لازم برای عدالت انتقالی در سوریه ایفا کرده است. دادخواهی و پیگیری‌های قضایی جامعه مدنی به احکام بازداشت قابل توجه عاملان جنایت و محاکمه «الخطیب» منتهی شد که [اولین محاکمه در سرتاسر جهان برای شکنجه دولتی در سوریه است](#). اگرچه این ابتکارات به هیچ وجه عدالت همه‌جانبه برای سوری‌ها را به دنبال ندارد، اما همین که این ابتکارات شکل گرفتند، تا حدود زیادی حاصل تلاش‌های جامعه مدنی سوریه و نشان‌دهنده گام‌های مهمی در مسیر دور و دراز حرکت به سوی عدالت است.

با این حال، در همین دوره، جامعه مدنی، چه در داخل و چه در خارج از کشور، با چالش‌های متعددی از جمله تهدیدهای امنیتی، محدودیت‌های مالی و قانونی، دشواری‌هایی در فعالیت و دسترسی به منابع، کنترل و نظارت نامناسب، و همچنین فساد و اختلافات درونی در خود سازمان‌های جامعه مدنی مواجه بوده است. این اختلافات ناشی از عوامل مختلفی است که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و با تلاطم در کشور تشدید می‌شوند. به طور خاص، تأثیرات فراگیر تروما و رنج انباشته، کمبود شدید منابع، جنگ قدرت و اختلافات سیاسی همگی در این چالش‌ها سهم داشته‌اند.

امواج جدید سرکوب

رژیم سوریه که توانسته است کنترل بسیاری از بخش‌های کشور را دوباره به دست گیرد، همین اواخر، مجدداً خود را وقف ممانعت سیستماتیک و عقب راندن تلاش‌ها و دستاوردهای جامعه مدنی کرده است. ماموران امنیتی اغلب با عبارت‌هایی مانند «قبلاً سرمان شلوغ بود و نمی‌توانستیم شما را زیر نظر بگیریم، اما حالا برای شما وقت داریم» نشان می‌دهند که نقطه تمرکزشان تغییر کرده است و این پیام را می‌رسانند که اگر اولویت قبلی‌شان بازپس‌گیری کنترل مناطق از دست رفته بود، [با به دست آوردن مجدد کنترل این مناطق، اکنون می‌توانند ارباب و آزار و اذیت فعالان مدنی را تشدید کنند](#). رژیم با استفاده از همان شگردهای آزموده در گذر زمان، بار دیگر فضایی را که پیش‌تر برای کنش‌گری جامعه مدنی گشوده شده بود، محدود کرده و بسته است.

برای این منظور، رژیم سوریه مجموعه جدیدی از قوانین مربوط به مجوزهای کار مدنی را به اجرا درآورد که فقط شامل اتحادیه‌ها و نهادهای تحت کنترل رژیم می‌شود که در چهارچوب سازمان‌های غیردولتی تحت کنترل دولت فعالیت می‌کنند (مرکز رسانه‌ها و آزادی بیان سوریه، ۲۰۲۲).

رژیم همچنین در سال ۲۰۲۲، [کارزار گسترده‌ای را برای لغو مجوز فعالیت سازمان‌ها و ممنوعیت سفر کنش‌گران فعال در گروه‌های جامعه مدنی](#)، چه در داخل کشور و چه در دیاسپورا به راه انداخت. این کارزارها با دستگیری‌ها و اتهامات گسترده‌ای مانند همکاری با کشورهای غربی، جاسوسی و انجام معاملات ارزی همراه بود. احکام طولانی حبس و حتی احکام اعدام برای ایجاد ترس و ارباب کنش‌گران و مدافعان فعال در این نهادها صادر شد. کارزارهای بدنام‌سازی، نقض حریم خصوصی، به‌ویژه با هدف قرار دادن فمینیست‌ها، زنان مدافع حقوق بشر، و فعالان جامعه رنگین‌کمانی از دیگر استراتژی‌های استفاده‌شده توسط رژیم بود.



پیامدهای زمین‌لرزه‌های ۲۰۲۳

زمین‌لرزه‌هایی که جنوب شرق ترکیه و شمال غرب سوریه را لرزاند، فاجعه‌بار بود. بر اساس گزارش‌های سازمان ملل، حتی پیش از وقوع زلزله، بخش قابل توجهی از جمعیت سوریه به دلیل شرایط ناشی از جنگ‌های طولانی‌مدت به کمک‌های بشردوستانه نیاز داشتند. زمین‌لرزه‌ها وضعیت وخیم پیشین را بدتر هم کرد: در سوز و سرمای زمستان، محله‌ها ویران و غیرقابل سکونت شدند. پناهگاه‌ها مازاد بر ظرفیت‌شان پر شدند، در حالی که فاقد امکانات ضروری برای زنان، کودکان، سالمندان، بیماران مزمن و افراد دارای معلولیت بودند. با افزایش خطر انتقال بیماری، وضعیت بدتر و بدتر شد. فقدان پناهگاه زنان و کودکان را به طور فزاینده‌ای در معرض آزار، خشونت و استثمار قرار داد. برآوردهای اولیه حاکی از آن بود که حدود پنج میلیون سوری به پناهگاه و کمک‌های غیرغذایی نیاز داشتند (کمیساریای عالی سازمان ملل متحد برای پناهندگان، ۲۰۲۳).

پیامدهای زلزله نقش حیاتی جامعه مدنی و سازمان‌های امدادی سوریه را برجسته کرد که برغم موقعیت ناپایدارشان به نیازهای آسیب‌دیدگان رسیدگی می‌کردند. بسیاری از اعضای جامعه مدنی حتی با وجود این که در این زمین‌لرزه‌ها، خانه، اعضای خانواده یا دوستان‌شان را از دست داده بودند، برای امدادسانی به افراد نیازمند، و توزیع غذا و یافتن پناهگاه برایشان بسیج شدند. اقدامات و تلاش‌های آن‌ها، بویژه با توجه به ناتوانی سازمان ملل در ارائه موثر امداد و نجات و کمک‌های بشردوستانه به بسیاری از مناطق آسیب‌دیده، بسیار مهم و باارزش بود.

ارزیابی فمنا از ابتکارات مردمی متنوع فعال و مستقر در داخل سوریه

فمنا برای درک بهتر وضعیت گروه‌های جامعه مدنی، انواع ابتکارات مردمی متنوعی - اعم از رسمی و غیررسمی - را که در سوریه و در مناطق تحت کنترل رژیم مستقر هستند، ارزیابی کرده است. همه این ابتکارات مشخصاً سازمان‌های فمینیستی نیستند، اگرچه

نسبت به مسائل مربوط به جنسیت دغدغه دارند.

فمنا در طراحی این ارزیابی تنوع سوریه را نیز در نظر گرفته است، زیرا این کشور یکی از متنوع‌ترین کشورهای خاورمیانه از نظر قومی، مذهبی و جغرافیایی است. فمنا مناطق مختلف جغرافیایی سوریه و نیازها و مسائل خاص آن‌ها را نیز در نظر گرفته است:

- شرق و شمال شرق یک چهارم کشور را تشکیل می‌دهد که همچنان بین گروه‌های کرد مورد حمایت آمریکا، ترکیه و نیروهای نظامی رژیم سوریه تقسیم شده است. این منطقه نسبتاً منزوی و فاقد سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و خدمات ضروری مانند بهداشت و آموزش است. وضعیت امنیتی به دلیل حضور گروه‌های شبه‌نظامی متعدد، نظامیان رژیم، و گروه‌های تروریستی متزلزل است. بسیاری از خانواده‌ها در این منطقه به کمک‌های بشردوستانه و حقوقی نیاز دارند. بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر که در سال ۲۰۲۲ منتشر شد، مقامات منطقه‌ای در شمال شرق سوریه در حال حاضر بیش از ۶۰ هزار نفر از جمله مردان، زنان و کودکان را در شرایط تحقیرآمیز و غیرانسانی و مخاطره‌آمیز در بازداشت خودسرانه دارند.

- جنوب درگیر تنش‌های مداوم بین نیروهای طرفدار و مخالف رژیم است، به‌ویژه در استان درعا و پس از عدم پذیرش گسترده نتایج انتخابات ریاست جمهوری سوریه در ماه می ۲۰۲۱. این موضوع منجر به سلسله حملات پراکنده در پایان سال ۲۰۲۱ شد که در نتیجه آن، هزاران نفر به مناطق همسایه آواره شدند. جمعیت باقی‌مانده از کمبود شدید سوخت، برق، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و غذا رنج می‌برند. سویدا، استان دیگری در جنوب که دولت کنترل محدودی بر آن دارد و رهبران سیاسی و مذهبی در آن ذی‌نفوذ هستند تا پیش از شروع تظاهرات در آگوست ۲۰۲۳ نسبتاً آرام بود.

- منطقه مرکزی که شهرهای آن از نظر پویایی قدرت محلی و دسترسی به فرصت‌های اقتصادی متفاوت‌اند. برخی از شهرها مانند حمص در جریان جنگ شاهد ویرانی‌های گسترده‌ای بودند و اکنون در حال بازسازی هستند. همچنین تعداد قابل توجهی از مردان جوان منطقه مرکزی یا از کشور گریخته‌اند یا به صورت قهری ناپدید، دستگیر و یا کشته شده‌اند. با این حال، در منطقه مرکزی، علاوه بر برنامه‌های بهداشتی از جمله کمپین‌های آگاهی‌رسانی درباره کووید-۱۹ و واکسیناسیون، برنامه‌های توسعه‌ای مختلفی برای پرداختن به خشونت مبتنی بر جنسیت، آزار جنسی و سایر مسائل، اجرا شده است. در این منطقه نیز همانند سایر مناطق، موانع همچنان وجود دارند: کنش‌گران و مدافعان حقوق بشر باید اقداماتی مانند کار و فعالیت با اسامی مختلف را در پیش گیرند تا از خود در برابر تعقیب و دستگیری محافظت کنند. با وجود این، بسیاری از آن‌ها با اتهامات تروریسم و همکاری با اسرائیل و نهادها و کشورهای غربی روبرو هستند.

- منطقه ساحلی در سرتاسر زمان جنگ پذیرای تعداد قابل توجهی از آوارگان داخلی بوده است. این منطقه در تمام مدت جنگ تحت کنترل رژیم باقی ماند و حضور قوی شاخه‌های اطلاعاتی و امنیتی محدودیت‌های قابل توجهی را برای کنش‌گران ایجاد می‌کند. هزاران آواره‌ای که در این منطقه کسب‌وکار و تجارت راه انداخته‌اند، با مردم محلی رقابت می‌کنند که این می‌تواند منجر به تنش شود. در حومه سواحل سوریه، تلفات اعضای مرد خانواده‌ها در جنگ به میزان قابل توجهی بوده است و همین موضوع، زنان را ناگزیر به جست‌وجو برای فرصت‌هایی کرده است که بتوانند از خانواده خود پشتیبانی کنند.

اعضای ابتکارات مردمی سوریه که فمنا با آن‌ها مصاحبه کرده است، در این بخش‌ها/مسائل فعالیت می‌کنند:

صلح‌سازی: این ابتکارات فضاهای امنی را برای گفت‌وگو، خود بیان‌گری و پاسخ‌گویی جمعی ایجاد می‌کنند. برای مثال، یک سازمان ملی صلح‌ساز توانست صلح‌سازان جوانی را بسیج و اصول صلح، دموکراسی و حقوق بشر را به آنان آموزش دهد. علاوه بر این، شبکه‌های محلی معلمان شکل گرفته‌اند که افراد محروم از تحصیل را پشتیبانی می‌کنند و ترویج‌گر برنامه‌های درسی بهتری هستند که آموزش صلح به‌عنوان مولفه اصلی تلاش‌های صلح‌سازانه‌شان در آن گنجانده شود.

حقوق بشر: در مناطق خارج از کنترل رژیم، فعالان و شبکه‌های جامعه مدنی بر نقض حقوق بشر به‌واسطه بازداشت، ناپدیدسازی قهری، دستگیری‌های خودسرانه و مصادره اموال تمرکز می‌کنند. تعداد قابل توجهی از سازمان‌ها و شبکه‌ها نیروی خود را صرف توانمندسازی گروه‌های به حاشیه رانده‌شده مانند آوارگان داخلی، زنان روستایی، جنگجویان سابق و جوانان در زمینه‌های مختلف

کرده‌اند. این سازمان‌ها خدمات بشردوستانه، بهداشتی، حقوقی، و روانی-اجتماعی را متناسب با نیازهای خاص هر منطقه ارائه می‌دهند.

حقوق زنان: تلاش‌های سازمان‌های مدافع حقوق زنان طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، از جمله ایجاد فضاهای امن، ابتکارات توانمندسازی اقتصادی و خدمات حمایتی روانی-اجتماعی را در بر می‌گیرد. بسیاری از سازمان‌ها برنامه‌های سوادآموزی حقوقی را با هدف آموزش زنان درباره حقوق خود و جلوگیری از خشونت اجرا کرده‌اند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند تا با ایجاد شوراهای حفاظت محلی، محیط‌های حامی و ایمن را برای زنان تحت خشونت فراهم کنند.



Source: The Day After

واکنش بشردوستانه: این سازمان ها و ابتکارات در خط مقدم واکنش به زمین لرزه ششم فوریه بودند. برخی به افراد مجروح و برخی دیگر به کسانی که خانه و خانواده خود را از دست داده بودند یاری رساندند. این سازمان ها برغم مشکلات و خساراتی که خود متحمل شده بودند، بلافاصله پس از زلزله برای انجام عملیات امدادی قدم پیش گذاشتند.

اولویت ها و نیازها

فما با انجام این ارزیابی، و پس از مصاحبه با ابتکارات مردمی سوری، و با توجه به شرایطی که جامعه مدنی سوریه در آن فعالیت می کند، موارد زیر را به عنوان نیازهای در اولویت برای ابتکارات جامعه مدنی مشخص کرده است:

- **حمایت و پشتیبانی:** سازمان های جامعه مدنی ارائه دهنده خدمات امدادی و بشردوستانه از جمله به مناطق زلزله زده نیاز فوری به فضای لازم برای فعالیت دارند. آن ها همچنین نیازمند حمایت و پشتیبانی هستند تا بتوانند به اعمال فشار بر دولت سوریه ادامه دهند تا به آن ها اجازه فعالیت بدهد. برخی از فعالیت هایی که باید انجام شوند، عبارتند از: تشکیل تیم های ارزیابی خسارت، ایمن سازی پناهگاه ها و اسکان موقت، و اجرای برنامه های پایدار برای کمک به افراد نیازمند به حمایت های بشردوستانه از جمله آسیب دیدگان زلزله. برای سازمان های جامعه مدنی بسیار مهم و حیاتی است که با یکدیگر همکاری کنند و سازوکارهای پاسخ گویی را به منظور حصول اطمینان از واکنش عادلانه و مناسب و همچنین توزیع منصفانه کمک های مالی در هنگام وقوع بحران ایجاد کنند. به علاوه، چنین واکنشی باید ملاحظات جنسیتی و حقوق افراد دارای معلولیت و سالمندان را در نظر بگیرد. همچنین سازمان های جامعه مدنی نیاز به کمک دارند تا به دولت های سوریه و ترکیه برای تسهیل صدور مدارک لازم برای زلزله زدگان فشار وارد کنند. در نهایت تسهیل دسترسی و ارتباطات در همه مناطق برای واکنش و اقدامات بازیابی کارآمد در هنگام وقوع بحران یک ضرورت است.

- **آموزش و تقویت ظرفیت:** جامعه مدنی سوریه به دلیل سال ها محاصره و انزوای تحمیل شده از سوی جامعه بین المللی، و رژیم و نیروهای امنیتی سوریه با چالش های قابل توجهی در دسترسی به فضاهای گفت و گوی حامی، فرصت های آموزشی و برنامه های تخصصی تقویت ظرفیت مواجهه بوده است. این مسئله منجر به دسترسی محدود به منابع و دانشی شده است که ضرورت های توسعه و رشد حرفه ای هستند. به علاوه شرایط دشوار، ناامنی غذایی، کمبود دسترسی به برق و اینترنت، موانع بیشتری برای ارتباط با جامعه بین المللی و شرکت در برنامه های تقویت ظرفیت منطقه ای و بین المللی ایجاد کرده است. در نتیجه، برای جامعه مدنی سوریه ضروری است که به فرصت های آموزشی دسترسی داشته باشد، و اقدامات و تلاش هایی که برای تقویت ظرفیت آن صورت می گیرد باید به چالش های پیش روی جامعه مدنی سوریه نیز بپردازد. فعالان در جامعه مدنی سوریه، به ویژه زنان مدافع حقوق بشر، به برنامه هایی نیاز دارند که به سلامتی و نیازهای خودمراقبتی آن ها می پردازند، خصوصا در سایه جنگ جاری، تنش ها و سرکوب دولت که کنش گران را هدف گرفته است.

- **ارتباط با جامعه بین المللی:** پس از سیزده سال جنگ، سازمان های جامعه مدنی سوریه برای ارتباط با جامعه بین المللی به کانال های ارتباطی پایدار و حمایت گر نیاز دارند. مهم و حیاتی است که وضعیت کنونی دقیق به تصویر کشیده شود، وضعیت اسفناک سوری ها مطرح و برجسته شود، و از تمام طرف های مسئول در تخلفات و نقض حقوق بشر که در طول جنگ و پس از آن رخ داد، همچنین تخلفاتی که در تلفات گسترده ناشی از زمین لرزه نقش داشت، خواستار پاسخ گویی شد. کانال های ارتباطی موجود ناکافی هستند و نمی توانند حمایت همه جانبه ای را برای جامعه مدنی فراهم کنند. در نتیجه، نیاز مبرمی به سازوکارهای حفاظتی بین المللی به منظور محافظت از نمایندگان و اعضای سازمان های جامعه مدنی وجود دارد.

- **بودجه منطع و پایدار:** اولویت زدایی از سوریه به عنوان یک کشور نگران کننده است. در میانه ظهور بحران های جهانی متعدد در سال های اخیر، بودجه اختصاص داده شده به سوریه به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. باید بدانیم که برغم کاهش اهمیت سوریه در دستور کار بین المللی، نقض حقوق بشر و نیازها همچنان به قوت خود باقی است. تخصیص بودجه به سازمان ها به جای تامین مالی محدود و پروژه محور به بازیگران جامعه مدنی این امکان را می دهد تا به شکل کارآمدتری به اولویت های خود بپردازند و به نیازهای در جریان پاسخ دهند.

توصیه‌ها

پایداری و توسعه مستمر جامعه مدنی سوریه، مسئله‌ای حیاتی است. فمنا در همین راستا، توصیه‌های زیر را به جامعه بین‌المللی ارائه می‌کند:

- تسهیل و ارائه پشتیبانی فوری و کمک‌های بشردوستانه به جامعه مدنی سوریه، تواناسازی آن‌ها برای پاسخ‌گویی موثر به نیازهای جوامع آسیب‌دیده، از جمله بازماندگان زلزله که همچنان نیاز به حمایت دارند.
- جامعه بین‌المللی، از جمله سازمان ملل، دولت‌ها، تامین‌کنندگان مالی، بنیادهای خصوصی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی باید حمایت مالی و سازوکارهای حفاظتی خود را برای جامعه مدنی داخل سوریه با هدف اطمینان از تاب‌آوری، رشد و افزایش تاثیر این بخش مورد ارزیابی قرار دهند.
- ایجاد فرصت‌های مالی قابل‌تطبيق و انعطاف‌پذیری که مشخصاً هدف‌شان حمایت از ابتکارات جامعه مدنی داخل سوریه باشد تا بتوانند با نوآوری و پایداری بیشتر به پاسخ‌گویی به شرایط در حال تغییر بپردازند.
- بازیگران بین‌المللی، به‌ویژه آن‌هایی که با دولت سوریه در ارتباط هستند، باید مقامات سوریه را وادار کنند که اجازه فعالیت آزادانه و بدون محدودیت را به گروه‌های جامعه مدنی بدهند، از جمله به گروه‌های ارائه‌دهنده حمایت‌های بشردوستانه و گروه‌های فعال در صلح‌سازی و ترویج حقوق، تا بتوانند بدون هراس از آزار و تعقیب قضایی فعالیت کنند.
- شکستن انزوای جامعه مدنی سوریه و جنبش زنان به منظور حصول اطمینان از این‌که دیدگاه‌ها و مطالبات زنان مدافع حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و دولت‌ها از جمله ایالات متحده و اتحادیه اروپا شنیده می‌شود و به آن‌ها اولویت داده می‌شود.
- تقویت فرصت‌های ایمن و مطمئن برای به اشتراک گذاشتن اطلاعات و دانش و همکاری آنلاین بین جامعه مدنی سوریه در داخل و خارج از کشور تا فعالیت‌هایشان حداکثر اثرگذاری را داشته باشد.
- افزایش آگاهی در میان بازیگران بین‌المللی و سازمان‌های زنان به منظور حصول اطمینان از این‌که جامعه مدنی سوریه و زنان مدافع حقوق بشر به رسمیت شناخته می‌شوند، و از حمایت بیشتر و منابع لازم برای انجام فعالیت‌های مهم‌شان برخوردار می‌شوند.



X FemenaNet

Instagram FemenaNet

Facebook FemenaNet

Website Femena.net

فمنا از زنان مدافع حقوق بشر، سازمان‌ها و جنبش‌های فمینیستی در منطقه شمال آفریقا و جنوب غرب آسیا حمایت می‌کند. تمرکز ویژه فمنا بر کشورهای آسیایی است که فضا برای فعالیت جامعه مدنی محدود و یا بسته است و تلاش می‌کند تا درباره تاثیر محدودیت‌های فضای مدنی بر جنبش‌های مترقی فمینیستی و زنان آگاهی‌رسانی کند.

گزارش‌های وضعیت کشوری و منطقه‌ای فمنا، تحلیل سیاست‌ها و جریان‌های است که بر حقوق زنان تاثیرگذارند، بویژه جریان‌های که خواهان عقب‌گرد حقوق و جنبش زنان هستند.